



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

تمدن رم و اروپایی

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.
الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولين والآخرين،
مدد يا رسول الله، مدد يا ساداتي أصحاب رسول الله، مدد يا مشايخنا،
شيخ عبدالله الفائز الداغستاني، شيخ محمد ناظم الحقاني، دستور.
طريقتنا الصلبة والخير في الجمعية.

"الحمد لله على دين الاسلام،" ما الله را برای دين اسلام ستايش می كنيم، الله را شكر می كنيم چونكه ما هفته گذشته در قلب اروپا بوديم. اين روحانی نيست بلكه مركز اين دنيا است. معنای دنيا، يعنی زندگي هرگز برای آخرت نيست، بلكه فقط برای دنيا است. در حال حاضر اكثر دنيا آنها را پيروي می كنند. آنها چيزی مول روحانيت ندارند.

شكر به الله كه ما را مسلمان خلق كرد و ما را در آن مملكت ها خلق نكرد، چونكه از زمان بسيار قديم بين مملكت ها فقط سعی می كردند برای ان دنيا بسازند و فقط برای اين دنيا كار می كردند. آنها فكر می كردند "ما قصد داريم برای اين دنيا زندگي كنيم، پس از اين هيچ چيز وجود ندارد!" و بر اين اساس ساخته اند تا دنيا را با توجه به ذهنيت خودشان، كامل بسازند.

اولياء می گويند، "دنيا لازم نيست." دنيا برای ماندن نيست. اين مكان برای عبور است. آنها فكر كردند كه برای هميشه زندگي خواهند كرد. آنها در هر طرف ساخته اند و هيچ چيزی نه گذشتند كه آخرت را به يادشان بياورد. اين حكمت الله است كه اولين جا كه خواريون پس از عيسى مسيح (ع) رفتند، بزرگترين امپراطوری دنيا بود. اين بيشتر از ۷۰۰ - ۸۰۰ سال عمر داشت.

ابنطوري کسی نمی تواند بگويد، "به ما هيچ کسی ياد آوری نكرد" در آخرت، پس از عيسى (ع) خیلی از خواريون مستقيم به مركز آن رفتند. خواريون عيسى (ع) با توحيد، با دين حق رفتند. روميان بت پرست بودند، انسان های كه بت ها را پرستش می كردند. اکنون مد جديدی وجود دارد. آن را پاگانی مينامند. (ما) در ابتدا نمیتوانيم معنای "پاگانی" را بفهميم. ظاهرا پاگانی يعنی بت پرست.

هنگامی كه شما در مورد رم صحبت می كنيد، در مورد خیلی احترام است برای انسان های كه اين دنيا را پرستش می كنند. در حقيقت، اگر به آن نگاه كنيد، آنها در آن زمان ها چنين ساختمان هایی را و چنين تكنولوژی را ساخته بودند، فقط برگ نداشتند. اگر آنها برق داشته بودند، اکنون را نيز غلبه كرده بودند. در آن وقت اجازه برای برق نبود، اما حتی با اينكه برق نداشتند، آنها می گفتند؛ "ما دنيا را را حكومت می كنيم، هيچ كس ديگری اين كار را نمی كند، هيچ خالق و هيچ چيز شبیه او وجود ندارد!" و



صحبت های حضرت شیخ محمد محمّد عادل ال حقانی

سنگ و بت ها را پرستش می کردند. آنها خدایان بر اساس ذهن خودشان می ساختند، آنها را پرستش می کردند و می گفتند، "این خدای این است و این خدای آن است..."

هنگامی که نبوت عیسی (ع) آمد و به آنها رسید، تعداد خیلی از انسان ها ایمان آوردند. آنها به الله عز و جل اعتقاد داشتند، اما این دفعه تبرستان دیگر نمی توانستند تحمل کنند. گفتند، "شما دین ما را از بین می برید!" آنها این انسان ها را کشتند، آنها را بریدند، این انسان ها را به شیرها دادند، همه نوع شکنجه دادند، اما این انسان ها نمی افتادند. تسلیم نشدند. این نزدیک سه صد سال ادامه یافت، سپس یک انسان به نام کنستانتین بیرون آمد، آنها را پیروی کرد، آن وقت راحتی پیدا کردند. در آن وقت مذهب سه خدای ظاهر شد.

او آنها را پیروی کرد. سپس او همچنین استانبول را ساخت. آن قسطنطنیه نامیده شد، در آن زمان این رم شرقی بود و آن رم غربی بود. هر چیزی اینجا بود عینی آنجا ساختند، و همه چیز با توجه به همین روش بود. بعد از آن، البته، یواش یواش خراب شد. در گذشته، بتپرستان کسانی را که در دین حقیقی بودند، کشتند و کشتار کردند، همه کسانی که ایمان آورده بودند، عیسی (ع) را پیروی می کردند. و البته آنها در کوه ها و غار ها زندگی می کردند تا ایمان خود را محافظت کنند.

هنگامی که او آمد، این دفعه، آن مسیحیان که منحرف شده بودند (که ادعا تثلیث می کنند)، شروع کرد به آنها را کشتند. یواش یواش، هیچ کدام از آنها نمانده بود. زیرا شیطان در داخل آنها بود و به همین دلیل است که اجدادشان بت پرست بودند، یواش یواش به عینی شکل تبدیل شدند، مثل گذشته شد. در حال حاضر آنها به پرستش بت و صلیب ادامه می دهند.

به همین دلیل است که ما الله را شکر می کنیم. کسانی که فقط این دنیا را می خواهند، از آخرت محروم خواهند شد. الله جل جلاله (ﷻ) دنیا را و آخرت را می دهد به کسانی که آخرت را خواهش می کنند. این حکمت است که آنها نمی توانند اسلام را تحمل کنند. آنها این را تحمل نمی کنند؛ چونکه آنها انسان های هستند که بت پرستی می کنند. آنها عقل دارند، منطق دارند، اما آنها هر چیز را می دانند و وقتی به این حقیقت بهشان میرسد، آن را قبول نمی کنند. آنها به شما لبخند می زنند و به شما می گویند، اما آنها هیچ زمان حضرت پیامبر (ﷺ) مان قبول نمی کنند.

اما، هر چیز روشن است. دین حقیقی شان تنها ۳۰۰ سال پس از عیسی (ع) ادامه داشت. پس از آن چند نفر در اینجا و آنجا، بسیار کم و کمیاب شمرده می شوند. این به سختی ۳۰۰ سال عمر کرد، یعنی بعدا یک پیامبر آمد، و حضرت پیامبر (ﷺ) مان است. آخرین پیامبر، حضرت پیامبر (ﷺ) مان است. ۱۴۰۰ - ۱۵۰۰ سال گذشت از زمانی که دین ما آمده است، و همچنان ادامه می کند.

با قدرت معنوی، با قدرت حضرت پیامبر (ﷺ) مان و با اجازه الله عز و جل هیچ دینی دیگری تا روز قیامت وجود ندارد و اسلام تنها دین است. در نهایت، اسلام پیروز خواهد شد و تمام دنیا مسلمان خواهد شد. عیسی (ع) فرود خواهد آمد. حدیث وجود دارد: بت و صلیب را از بین می برد. دومین چه



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

چیزی است؟ او خوک را می کشاند. او ذبح نمی کند، ذبح نخواهد بود. او آن را می کشد چونکه دو بزرگترین ستون مسیحیان خوک و صلیب است.

یک مسلمان ممکن است الکل را بنوشد و از هر نوع گناهکاری انجام بدهد، اما مهم نیست که چقدر بد است، او نمیتواند انسانی باشد که خودش مسلمان را می شناسد، خودش را مسلمان می داند، و این کار را انجام بدهد. بعضی انسان های که اروپا را پیروی می کنند و ما می شنویم که آن گوشت کثیف را می خورند. یعنی که آنها مسلمان نیستند. کسانی که مسلمان هستند هرگز آن گوشت را نخواهند خورد. آنها ممکن است هر چیز را انجام دهند، اما همانطور که می گوئیم، او نمیتواند خوک بخورد، نمی تواند صلیب بپوشد. کسانی که این کار را انجام می دهند، مسلمان نیستند.

عیسی (ع) می آید، و می گوید: "اینجا هستم." اگر آنها را قبول کنند، آنها را قبول کردند. اگر نه، آن وقت عیسی (ع) حساب شان را میرساند. دو انتخاب از عیسی (ع) می آید و هیچ صحبتی دیگری وجود ندارد: "شما یا قبول می کنید و یا به آخرت می روید." حالا که عیسی (ع) آمده است، اگر شما او را قبول نکنید، اینجا چه کاری انجام می دهید؟ در این آخر زمان انشاءالله این نزدیک است، انشاءالله اتفاق خواهد افتاد.

همانطور که گفته شد، تمدن های دنیا وجود داشتند و همه آنها گم شده و رفته اند. منظور ما بنا تمدن ساختن، مجسمه ها، مجسمه سازان است... چیزهای بی معنی. ما رفتیم و تماشا کردیم. بعد از همه، آنها قبلاً در هر طرف مجسمه های با عورت لخت ساخته بودند و آنها آن را هنر می نامند. داخل کلیسا ها از آنها پر است، بیرون شان و هر طرف از آنها پر است. چیزی جز این ندارد. هنر: خوب، بسیار زیبا، شما آن را انجام داده اید، اما آنها برای شما فایده ندارند. یک فایده وجود دارد، بازدیدکنندگان می آیند و پول خرج می کنند. هیچ فایده دیگری ندارند. هرگز دعا تان جواب پیدا می کنند اگر به آنها دعا کنید، و آنها با شما نه می نوشند، نه می خورند.

اما در آنجا، متکبر انسان ها را فریب دادند: "ما تمدن رومی هستیم. ما تمدن اروپایی هستیم." پر از انسان های احمق است، آنها شبیه به آنها هستند. اگر معنویت وجود نداشته باشد، پنج سکه ارزش ندارد. عیسی (ع) هیچ میراث نگذاشت. هیچ پیامبری چیزی شبیه میراث نگذاشت، اما آنها وارثان معنوی گذاشتند و همچنان ادامه می دهند. دیگران هر چیز را ترک کرده اند، کسانی که وارثان بودند رفته اند و کسانی که میراث گذاشتند نیز رفته اند. هیچ چیز باقی نه مانده است. حتی نام آنها فراموش شده است.

الله به انسان عقل و شعور عطا کند که درس را یاد بگیرند. شما می توانید به آنجا بروید و بگوئید که آن را دوست دارید، اما برای یاد گرفتند و در این مورد ها فکر کردند، لازم است از این جا ها یاد بگیرید. چند میلیارد انسان ها آمدند و همه آنها را رفتند؟ فقط سنگ ها، خانه ها و معابد باقی مانده اند. هیچ چیز دیگر.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

مهم است که: چه چیزی را به آخرت بردند؟ کسانی که ایمان آورده اند با آن به آخرت رفتند و آنجا ساختند. اگر نه، هیچ چیز اینجا با فایده نیست. الله جل جلاله (ﷻ) ما را در راه رست حفظ می کند. انشاءالله به عیسی (ع) و مهدی (ع) برسیم، و انشاءالله خیلی زود باشد. انشاءالله خداوند آنها را با هم هرچه زودتر بفرستد.

و من الله التوفیق.
الفاتحه

حضرت شیخ محمد محمت عادل
۱۷ رجب ۱۴۳۸، درگاه اُکبابا، پس از حضرة